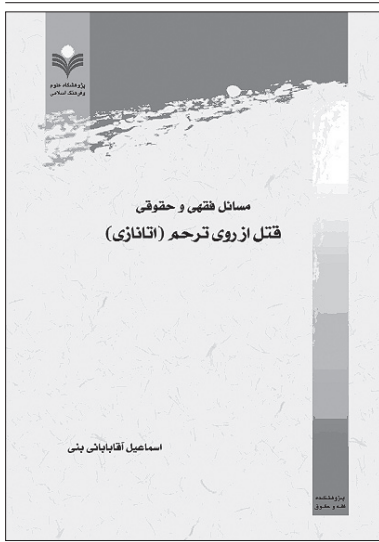


مسائل فقهی و حقوقی قتل از روی ترحم (اتانازی)

معرفی اجمالی

◀ اسماعیل آقابابائی بنی؛ چاپ اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده فقه و حقوق، زمستان ۱۳۹۱.



الف) توضیح عنوان کتاب

در لغت، واژه «اتانازی»، «اتانازی»، «یوتانازی» یا «یونازیا»، تلفظ فارسی از euthanasia در زبان انگلیسی است. این واژه از دو کلمه EU به معنای خوب، thantos به معنای مرگ مشتق شده است و در فارسی به بیمارکشی یا ترحم، بیمارکشی طبی، تسریع در مرگ محتضر، مرگ مشفقانه، قتل از روی ترحم، مرگ خودخواسته، به مرگی، مرگ آسان، مرگ راحت و مرگ سفید ترجمه شده که برخی ترجمه‌ها دارای بار منفی است. البته به دلیل قبح ذاتی واژه، ترجمه‌های آن با بار منفی ترجیح دارد. نویسندگان عرب زبان هم واژگان الموت الیسیر، الموت الجید، الموت الکریم، موت الرحمه، تیسیر الموت، القتل الرحیم و رصاصه الرحمه را به کار برده‌اند.

در اصطلاح، تعاریف متعدد و تقریباً مشابهی از اتانازی ارائه شده که با جرح و تعدیل این تعاریف می‌توان گفت: اتانازی عبارت است از فراهم‌آوری زمینه مرگ افرادی که به عللی چون بیماری غیر قابل علاج، کهولت سن یا نقصان در خلقت، خود یا اطرافیان وی خواهان پایان دادن به حیات‌اند.

از منظر موضوعی، اتانازی از نظر نحوه ارتکاب به فعال و غیرفعال و از نظر اراده و خواست فرد به داوطلبانه و غیرداوطلبانه تقسیم شده و هر یک از اقسام یادشده، مباحث اخلاقی و فقهی متعددی را به خود اختصاص داده است که حاصل آنها را به لحاظ فقهی می‌توان در حرمت شرعی همه اقسام اتانازی خلاصه کرد.

ب) نوآوری‌های تحقیق

تفاوت این نوشته با نوشته‌های مشابه در زمینه اتانازی، اعم از تألیف و ترجمه و کتاب و پایان‌نامه و رساله‌های دکتری در این است که به جای پرداختن به بحث‌های اخلاقی، حکم شرعی یا مسائل میدانی

و باورهای پزشکان و مردم، به نارسایی‌هایی توجه دارد که در عمل با وجود حرمت شرعی، می‌تواند زمینه‌ساز اتانازی گردد و در تلاش است ضمن بیان کاستی‌ها، راهکارهایی فقهی و حقوقی برای جلوگیری از اتانازی ارائه دهد.

ج) سوال‌های تحقیق

برای دستیابی به هدف یادشده در بند نوآوری‌ها، این کتاب سه سوال اصلی را به شرح زیر محور بحث‌ها قرار می‌دهد:

۱. در اتانازی داوطلبانه که توسط فرد دیگری صورت می‌گیرد، دیه و قصاص اقدام‌کننده چه حکمی دارد؟
۲. آیا مشرف به موت بودن یا حیات مستقر داشتن فرد، دخالتی در حکم تکلیفی یا وضعی اتانازی دارد؟
۳. آیا می‌توان بین فعل و ترک فعل در اقدام به اتانازی فرق نهاد؟
آن‌گاه در مقام تدوین به سؤال‌های فرعی متعددی توجه می‌کند که در هدف تحقیق تأثیرگذارند. برخی از این سؤال‌ها عبارت‌اند از:
 ۱. از قتل به لحاظ فقهی و حقوقی چه تعاریفی ارائه شده است؟
 ۲. مرگ به لحاظ پزشکی، فقهی و حقوقی چه تعریفی دارد؟
 ۳. آیا برداشت اعضا از مردگان مغزی و در نتیجه تحقق مرگ عرفی، از مصادیق اتانازی است؟
 ۴. بر فرض مؤثر بودن رضایت در منع آثار وضعی، رضایت چه کسانی ملاک است؟
 ۵. کشورهای دیگر در خصوص اتانازی چه موضعی اتخاذ کرده‌اند؟

فصل دوم: مبانی حقوقی و قوانین: در این فصل مؤلف می‌کوشد قوانین کشورهای متعدد را در تجویز یا جرم‌انگاری اتانازی به تصویر کشد که قوانین و مقررات ایران، سوییس، هلند، آمریکا و فرانسه از آن جمله است. نارسایی قوانین ایران در جرم‌انگاری اتانازی محور اصلی این فصل است.

فصل سوم: احکام تکلیفی اتانازی: این فصل به لحاظ شرعی به جواز یا حرمت اتانازی پرداخته است و براساس مصادیق اتانازی و نحوه ارتکاب، مسائل متعددی را مطرح می‌کند و همانند فصل قبل بیان نارسایی‌ها و زمینه‌های اتانازی در خلال بحث‌ها نقش اساسی دارد.

فصل چهارم: احکام وضعی و مجازات مرتکب اتانازی: این فصل به امکان یا عدم امکان مجازات مرتکبان، به خصوص در اتانازی‌های غیرفعال و داوطلبانه توجه دارد و آرای فقهی و حقوقی نافی مجازات را که می‌تواند از زمینه‌های مهم ترویج اتانازی به شمار رود به تصویر می‌کشد.

ه) نتایج تحقیق

حاصل بحث‌های چهار فصل بالا در چند بند به شرح زیر می‌آید:

۱. اتانازی یا قتل از روی ترحم از جهت نحوه ارتکاب، به فعال و انفعالی و از جهت رضایت یا عدم رضایت مجنی علیه، به داوطلبانه و غیرداوطلبانه تقسیم می‌شود. این تقسیم‌گونه‌هایی چون سلب حیات از بیمار صعب‌العلاج، پایان دادن به مرگ افراد فوت و ناتوان جسمی، فراهم‌آوری موجبات مرگ مبتلایان به مرگ مغزی و اغمای برگشت‌ناپذیر و ... را در بر می‌گیرد و مصادیق متعددی را می‌توان برای اتانازی برشمرد؛ ولی شمول مباحث قتل از روی ترحم بر سقط جنین از مسائل اختلافی است. به این معنا که جنین قبل از دمیده شدن روح به ویژه در چند هفته اول، طبق برخی مبانی مطرح در حقوق غرب، انسان تلقی نمی‌شود تا سلب حیات از وی مشمول حکم اتانازی شود. این در حالی است که در حقوق اسلام حق حیات داشتن جنین از مسلمات است و به همین دلیل، سلب حیات از جنین ناقص‌الخلقه هم می‌تواند از مصادیق قتل از روی ترحم به شمار آید.

۲. نظریه حق مرگ و پذیرش اتانازی در برخی کشورها ناشی از برخی باورها و فرهنگ همان کشورهاست که به هیچ وجه نباید آن مبانی را در بحث‌های فقهی و حقوقی برخاسته از فقه دخالت داد. از این رو، تعدادی از آثار موجود به فارسی در این زمینه نمی‌تواند پاسخ‌گوی مباحث مطرح باشد و با رعایت مرزبندی بین حقوق اسلام و غرب این مسئله نیازمند بازنگری است.

۳. اتانازی در مقررات برخی کشورها جنبه قانونی یافته است و در کشورهای اسلامی، از جمله مقررات ایران به مطالبی دست می‌یابیم که به لحاظ ابهام قانون یا سهل‌انگاری در تنظیم آن و یا عدم توجه به مبانی دقیق فقهی، شائبه امکان انجام اتانازی را تقویت می‌کند.

۶. آیا رضایت شخصی که در شرایط نامساعد روانی قرار دارد، مؤثر است؟

۷. در صورت اقدام به اتانازی، دیه و قصاص چه حکمی دارد؟

۸. معاونت در اتانازی بر فرض سقوط قصاص و دیه، چه حکمی دارد؟

۹. مبانی مخالفت یا موافقت با حق مرگ در متون اسلامی کدام است؟

۱۰. به لحاظ فرهنگی جامعه ایران، نگرش به اتانازی از سوی پزشکان، بیماران و اطرافیان چگونه ارزیابی می‌شود و با توجه به مبانی فقهی تا چه حد می‌توان با این مصادیق همراهی کرد؟

۱۱. در بیماری‌های سخت به لحاظ فقهی، هزینه‌های درمانی به عهده کیست و تخطی از آن چه پیامدهایی را می‌تواند به دنبال داشته باشد؟

۱۲. مصادیقی از اتانازی که در جامعه ایران رخ می‌دهد و مد نظر قانون‌گذار نگرفته کدام است؟

۱۳. برای نجات جان، تن دادن به چه نوع درمان‌ها و با چه شرایطی واجب و لازم است؟

۱۴. آیا قاعده احسان در اتانازی جاری است؟

۱۵. تسلط بر نفس و بدن در فقه چه جایگاهی دارد؟ خودزنی، جراحی‌های غیرضروری، ورزش‌های رزمی خطرناک، دوئل، تغییر جنسیت، اهدای عضو، رضایت قاتل به اهدای عضو به جای قصاص، عملیات استشهادهی و ... همگی به نوعی با مسئله تسلط بر نفس مرتبطند.

۱۶. مخالفت با مداوا توسط بیمار یا پزشک که نتیجه‌اش فوت مریض باشد، چه حکمی دارد؟ (کاربرد قاعده لاضرر در موارد وجود بیماری و ترک مداوا).

تعریف و مصادیق اتانازی، اقدام‌های لازم در برخورد با اتانازی، معیارهای پزشکی در تشخیص مرگ، مسئولیت پزشک در جمع بین دردهای بیمار و ادامه حیات او، محدودیت‌های درمان، دخالت غیرمستقیم پزشک در اتانازی، اهدای عضو و اتانازی غیرمستقیم در کنار برخی بحث‌های فقهی، مثل صاحب حق قصاص و دیه (ورثه یا خود شخص)، فروض تزاحم، حکم یا حق بودن حیات، تفاوت رضایت و عفو، نحوه احراز رضایت فرد، معیارهای قرابت و نفوذ اذن و ... هم از بحث‌های مطرح در این تحقیق است.

د) سرفصل‌های تحقیق

سوال‌ها و محورهای یادشده در چهار فصل به شرح زیر آمده است:

فصل اول: موضوع‌شناسی: این فصل شامل دو گفتار است؛ گفتار اول به تعاریف مرگ و اتانازی و گفتار دوم به اقسام و مصادیق اتانازی اختصاص یافته است.

اتانازی قرار می‌گیرد؛ ولی از آنجا که پذیرش آن به معنی ترویج اتانازی و فراهم‌آوری زمینه‌ای به ظاهر قانونی و روا بر قتل از روی ترحم به شمار می‌رود، بسیاری از کشورها تحت عنوان کمک به خودکشی و همکاری پزشک در مرگ بیمار از آن یاد کرده‌اند و برای ممانعت از فراگیر شدن اتانازی در قالبی دیگر، مقرراتی را در این خصوص به تصویب رسانده‌اند. از آنجا که قواعد کلی حقوق کیفری، معاونت در جرم را قابل مجازات می‌داند و خودکشی قابلیت جرم‌انگاری ندارد، سکوت قانون به معنای روابودن معاونت در خودکشی خواهد بود که از این جهت جرم‌انگاری معاونت در خودکشی نیاز به تصریح دارد.

در شرایط فعلی جرم تلقی‌نشدن خودکشی از یک سو و مسئول تلقی‌شدن مباشر در صورت اجتماع سبب و مباشر از سوی دیگر، عدم امکان مجازات معاون در اتانازی را به همراه دارد و توجه به تعیین مجازات خاص در این موارد از آن روست که در غالب موارد، پزشک با انجام مشاوره و راهنمایی می‌تواند از افراد خواهان مرگ حمایت و وی را از بحران روحی نجات دهد؛ حال آنکه عدم انجام این وظیفه و حتی همکاری فکری در سلب حیات به شرح پیش‌گفته، در نهایت می‌تواند مجازاتی انتظامی را به دنبال آورد و این مقدار عکس‌العمل در خصوص پدیده اتانازی راه حل مناسبی نیست.

و) پیشنهاد های تحقیق

در پایان نویسنده برای جلوگیری قانونی و شرعی از اتانازی سه پیشنهاد به شرح زیر مطرح می‌کند:

۱. ترک فعل گرچه نمی‌تواند عنصر مادی قتل تلقی شود؛ با این حال در جایی که پزشک وظیفه مراقبت دارد و بیمار به اعتماد پزشک از تلاش بیشتر برای نجات خود صرف‌نظر می‌کند، ترک درمان از سوی پزشک می‌تواند عنصر مادی قتل به شمار آید که نیاز به تصریح قانون دارد.

۲. از آنجا که یکی از گونه‌های رایج اتانازی انجام آن از طریق معاونت در خودکشی توسط خود بیمار است، این مسئله به طور خاص در قوانین کیفری جرم‌انگاری شود تا به استناد جرم‌نبودن معاونت در خودکشی، زمینه قانونی قتل از روی ترحم فراهم نیاید.

۳. وجود آرایبی دلیل بر انحصار مجازات قتل در قصاص و دیه؛ به حسب انتخاب اولیای دم و پیش‌بینی تعزیر در موارد خاص، موجب می‌شود جنبه عمومی قتل نادیده گرفته شده و از آنجا که در بیشتر موارد اتانازی، خود بیمار یا اطرافیان وی خواهان سلب حیات‌اند، عملاً مرتکب بدون مجازات رها می‌شود. از این نظر تصریح بر جنبه عمومی داشتن قتل حتی با رضایت بیمار و اطرافیان و واگذار نکردن آن به تشخیص قاضی رسیدگی‌کننده، راهکار قانونی دیگر در مقابله با قتل‌های از روی ترحم است.

از این رو متن برخی قوانین موجود نیازمند بازنگری جدی است و در مواردی هم سکوت قانون در عمل مشکلاتی را ایجاد می‌کند.

۴. در موارد تزامم نفس با نفس، جنین یا مادر و موارد نیازمند هزینه‌های قابل توجه برای درمان، در مسئله لزوم حفظ نفس، تردیدهایی وجود دارد و وجود برخی دیدگاه‌ها، انجام اتانازی یا برخی مصلحت‌سنجی‌های اجتماعی و عقلایی را در برخی مصادیق یادشده ممکن می‌سازد. این مسئله از جهات فقهی در خور تأمل و نیازمند بررسی‌های عمیق است که این تحقیق تا حدودی به این مسائل پاسخ می‌گوید.

۵. ترک درمان و فرار سیدن مرگ شخص بیمار، ناقص الخلقه یا سالمند از گونه‌های دیگر ارتکاب اتانازی است که به دلیل اشکال‌های نظری و علمی در ارتکاب قتل به سبب ترک فعل و نظریه غالب بر محقق‌نشدن عنصر مادی قتل به سبب ترک فعل و ترک درمان، راه را به لحاظ حقوقی و فقهی بر اتانازی غیرفعال و منفعلانه فراهم می‌سازد و در موارد رضایت بیمار، آرایبی مساعد با اتانازی غیرفعال می‌توان یافت. طبق یافته‌های این تحقیق، آیین آرا در جایی که پزشک ترک وظیفه می‌کند و پس از پذیرش بیمار و به واقع وابسته‌شدن حیات بیمار به پزشک، از ادامه درمان ممانعت می‌ورزد، تفاوتی با اتانازی فعال ندارد و بر اساس مورد می‌توان به مجازات مرتکب قتل عمد قائل شد.

۶. از نظر مجازات مرتکب، خصوصی تلقی‌شدن حق قصاص و تردید قانون‌گذار در مجازات قاتل به عنوان جنبه عمومی و تقیید آن به شرط خاص، این تلقی را به وجود می‌آورد که به لحاظ قانونی در صورت موافقت فرد یا تقاضای اطرافیان برای سلب حیات، امکان مجازات مرتکب منتفی است و دست‌کم به اراده قاضی بستگی دارد و نه قانون‌گذار. به بیان دیگر، با آنکه حفظ حیات امری مسلم و سلب آن حتی در موارد بیماری‌های صعب‌العلاج از نظر تکلیفی امر روشنی است، به لحاظ حکم وضعی و ترتب قصاص یا دیه بر مرتکب، در برخی مصادیق تردیدها و مخالفت‌هایی وجود دارد. در این موارد، تعزیر مرتکب در عمل نیازمند قانون است که فقدان آن در کنار دیدگاه‌های نافعی دیه و قصاص، انجام اتانازی در مصادیقی را تسهیل می‌کند و خطراتی را در ترویج بی‌توجهی به حفظ حیات انسان‌ها و تکلیف حکومت در مجازات مرتکبان فراهم می‌آورد. تحلیل این دیدگاه‌ها، اثبات آن و سپس توجه دادن به مبانی فقهی، از جمله مسائل مطرح در این تحقیق است. به نظر می‌رسد قتل در هر حال واجد جنبه عمومی است و تردید قانون‌گذار در عدم لحاظ این جنبه درست نیست.

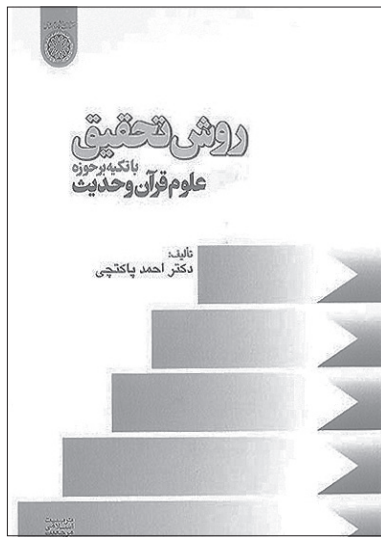
۷. گاه پزشک به جای اقدام به سلب حیات از بیمار، زمینه مرگ را به دست بیمار فراهم آورده است و در نهایت خود بیمار به حیات خود پایان می‌دهد. این مسئله تحت عنوان خودکشی و خارج از مباحث

روش تحقیق باتکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث

معرفی اجمالی

◀ احمد پاکتچی؛ تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۱.

مجید شاکر سلماسی



فصل پایانی یادداشت‌برداری و انواع یادداشت‌های شخصی و ارجاعی و روند پرورش یک متن بحث شده است.

از نقاط قوت این پژوهش، ارائه مطالب به صورت

دسته‌بندی شده و منظم؛ همچنان که می‌توان بررسی پیشینه و شکل‌گیری اصطلاح تحقیق در غرب را نقطه قوت این کار دانست. فصل پایانی با مباحث روش‌های اجرایی پژوهش نیز بر غنای علمی کتاب افزوده است.

چنان که مؤلف نیز اشاره کرده است، این کتاب مجموعه دروس کلاسی است؛ بنابراین کتاب حاضر با تمام نقاط قوت علمی که دارد، در برخی مواقع به نظر می‌رسد از جامعیت لازم برای یک تحقیق پژوهشی برخوردار نیست و این نقاط ضعف، ناشی از ارائه مطالب در کلاس درس می‌باشد که ویرایش علمی نیز از ضعف آن نکاسته است. با مطالعه و دقت نظر در این کتاب ملاحظاتی ارائه می‌شود که امید است در راستای تعمیق پژوهش‌های مشابه مورد توجه و استفاده قرار بگیرد.

۱. در صفحه ۱۷ به بعد، مؤلف اشاره کاملی به پیشینه اصطلاح تحقیق و شکل‌گیری آن در غرب و کلیات تحقیق داشته است؛ بدون اینکه تعریف روشنی از تحقیق ارائه دهد. هر چند در صفحه ۲۵، روش تحقیق را به اجمال معرفی کرده است؛ ولی لازم بود تعریف روشن و جامع و مانعی از تحقیق ارائه داده شود.

۲. در صفحه ۱۸ نوشته شده است بین تحقیق در اصطلاح سنتی و امروزی تفاوت وجود دارد؛ ولی به تفاوت اشاره نکرده است. به نظر می‌رسد اشاره هر چند مختصر به تفاوت مذکور لازم بود.

۳. در صفحه ۱۹ معادل لاتین تحقیق را (research) دانسته است و بدون اینکه توضیحی در مناسبت دو اصطلاح تحقیق و پژوهش ارائه دهد، همان واژه لاتین را برای اصطلاح پژوهش آورده است. مناسب بود توضیحی در این باره ارائه می‌شد.

۴. در صفحه ۵۷ در عناوین پایان‌نامه‌ها، واژه «بررسی» را بی‌فایده و زائد می‌داند و مثال زده است که در «بررسی مسائل فقهی بیمه»،

روش تحقیق باتکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، عنوان کتابی است از احمد پاکتچی، عضو شورای عالی علمی مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی و عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق که در سال ۱۳۹۱ به همت انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) به چاپ رسیده است.

این کتاب که در واقع سلسله دروس ارائه شده توسط مؤلف در کلاس درس دانشگاه امام صادق است، اولین کتاب فارسی در روش تحقیق در علوم قرآنی و حدیث می‌باشد. هدف نویسنده در این کتاب معرفی روش تحقیق حقیقی بوده و در همین راستا، مؤلف کتاب را در چهار فصل سامان داده است.

در فصل اول، شکل‌گیری مفهوم جدید روش تحقیق را بررسی کرده است. در این فصل روند نامتناسب اختراعات پس از دوران رنسانس، ایجاد روش مشترک تحقیق میان عالمان و فواید روش‌شناسی بحث شده است. در پایان فصل، از ارکان و انواع پژوهش، پژوهش‌های تبیینی، اکتشافی، تاریخی، مقایسه‌ای یا تطبیقی و تحلیلی و روش مطالعات درجه اول، سنتی، نوین و درجه دوم بحث شده است.

عنوان فصل دوم از دریافت تاروش است. در این فصل مؤلف در مورد مراحل انجام یک پژوهش و روش‌های واکاوی و واسازی آن بحث نموده است و با فرق‌گذاری بین تبیین و توجیه، فصل دوم را به پایان برده است.

نویسنده در فصل سوم، روش‌شناسی را ارائه کرده و در مورد انواع مطالعات تاریخی و انواع تحولات کارکردی در ساختار، کارکردهای آشکار، عناصر آشکار، توسعه بر اساس الگوگیری، توسعه و تضییق بر اساس بازتعریف، مطالعه تطبیقی، مطالعه تطبیقی خرد، مطالعه تطبیقی کلان، تفاوت در ترکیب بندی و کارکردها، مقایسه تبارشناختی، تفاوت در تعلق به ساختاری بزرگ، مقایسه گونه‌شناختی، مطالعه تطبیقی متوازن، مطالعه تطبیقی نامتوازن، نامتوازن دورکنی، نامتوازن چندرکنی، فاصله تاریخی میان ارکان، فاصله گفتمانی میان ارکان، مطالعه تحلیلی، معنای تحلیل، تقلیل‌گرایی، ویژگی عمومی روش‌های تحلیلی، تحلیل بر اساس جنسیت، تنوع روش‌های تحلیلی (بر اساس دانش زمینه‌ای)، تنوع روش‌های تحلیلی (بر اساس گونه مطالعه)، روابط جای‌شناختی و روابط تراکمی بحث کرده است.

ایشان کتاب را با بحث مراحل اجرایی پژوهش به پایان رسانده است. در

و ایشان در برخی مواقع عبارت‌هایی را تعریف کرده است: صفحه ۱۱۰.

۹. مثال‌ها و محل شاهد‌های کتاب از ادبیات غیرعلمی و نامناسب رنج می‌برد.

• مثال‌های صفحه ۴۶ و ۴۷ از معارف دینی است؛ ولی برخلاف معارف اسلامی و حوادث تاریخی و اعتقادات دینی است.

• به‌کاربردن اصطلاحاتی مثل «گردن کلفت بی‌سرپا» در کتاب علمی جایگاهی ندارد: صفحه ۵۱.

• در صفحه ۵۴، ابهام را به عبارت «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» تمثیل آورده است که ابهام در این جمله به دور از اعتقادات شیعی است و لازم بود در محل شاهد‌های کتاب دقت بیشتری می‌شد.

ملاحظات کتاب حاضر همچنان که مؤلف هم در مقدمه یادآور شده است، به دلیل القای دروس در کلاس درس بوده و چه بسا اگر مؤلف محترم مطالب کتاب را تألیف می‌کردند و یا خود ویراستاری علمی آن را انجام می‌دادند، به جای نکات ضعفی که برای نمونه آورده شد، کتاب از چنان غنای علمی برخوردار می‌شد که نقد آن بسیار دشوارتر از آنچه شاهد آن بودیم، می‌بود.

بررسی لازم نیست و آوردنش بی‌فایده است؛ در حالی که چه بسا برای نقد مسائل فقهی بیمه واژه «بررسی» کلیدی خواهد بود.

۵. مؤلف در صفحه ۶۶، مقاله‌ای را تضعیف کرده است، بدون اینکه دلیلی بر نقد ارائه دهد. نقادی بدون ارائه دلیل مناسب کار علمی نیست.

۶. در صفحه ۷۵، تعریف ناقصی از روش تحقیق ارائه داده است که مناسب کتاب علمی نیست.

۷. در برخی مواقع مؤلف از بحث خارج شده است و مباحث تاریخی و کلامی را تحلیل و بررسی کرده است؛ مانند صفحات ۱۱۶، ۱۱۴ و ۱۱۷.

۸. معمولاً بعد از ذکر عناوین علمی، بدون اینکه تعریفی از عناوین داشته باشد، مباحث را با ذکر مثال ادامه داده است. کار علمی با تعریف عبارات قوی‌تر می‌شود و لازم بود ایشان عبارات را تعریف می‌کرد.

- عبارت مرئی سازی تاریخی: صفحه ۳۴.
- عبارت پژوهش‌های اکتشافی: صفحه ۳۲.
- عبارت توسعه و تضییق بر اساس بازتعریف: صفحه ۱۰۲.
- عبارت بازتعریف کارکرد با بازتعریف: صفحه ۱۰۸.

این در حالی است که روش مؤلف، عدم تعریف عبارات و واژگان نبود و

رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین

معرفی اجمالی

◀ محمد باقر زند کرمانی؛ محقق؛ حسین حلبیان؛ قم: امیرالعلم، ۱۳۹۰.

مجید منهجی

دانش‌آموخته حوزه علمیه قم، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه خوارزمی تهران (تربیت معلم)

رویکردی فقهی. اجتهادی است. در ابتدای این اثر مطالبی نظیر شرح حال مختصری از نویسنده، بیان برخی از آثار علمی و تألیفات وی، استنادی که به ایشان اجازه نقل روایت داده‌اند و همچنین اجازه اجتهاد ایشان از آیت‌الله عبدالکریم حائری آورده شده است. در ادامه نیز متن کامل رساله آمده است.

کتاب رفع النزاع که به بررسی معامله به قصد فرار از دین می‌پردازد و همانند مرحوم آیت‌الله زند کرمانی کمتر شناخته شده بود، با تلاش محقق گرامی جناب آقای حسین حلبیان به مجامع علمی بیشتر معرفی شد. موضوع رساله، موضوعی فراگیر در فقه و حقوق اسلامی است که در متون روایی و فقی شیعه از زمان ائمه معصومین (علیهم السلام) تا کنون مطرح بوده و در قانون مدنی نیز در ذیل ماده ۲۱۸ به آن پرداخته می‌شود.

مطالب این رساله در یک مقدمه و دو فصل و یک خاتمه تدوین

کتاب رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین در فقه امامیه از تراث ذی‌قیمت حوزه علمیه و اثر عالم بیدار آیت‌الله محمد باقر زند کرمانی، در موضوع صلح به قصد فرار از ادای دین است که به امر حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری برای تأیید اجتهاد، در تاریخ ۱۳۵۰ق تألیف و سپس به همراه دو کتاب دیگر به چاپ رسیده است. متأسفانه چاپ اصفهان این کتاب همراه با غلط‌های بسیار و بدون ارجاعات و تحقیق مناسب بوده و این اثر که به احتمال زیاد اولین رساله مستقل در فقه اسلامی در این موضوع است، ناشناخته مانده و حتی بسیاری از فضلاء حوزه، شخصیت مولف و اثر او را نمی‌شناسند. این اثر در اسفند ماه ۱۳۹۰ش برابر با ۱۴۳۳ق به توفیق الهی با تحقیق حجة الاسلام والمسلمین حسین حلبیان در قم توسط انتشارات امیرالعلم منتشر و در اختیار بسیاری از کتابخانه‌های معتبر و مدرسین و محققین و فضلاء حوزه‌های علمیه قرار گرفت. این اثر رساله‌ای با

امام خمینی (ره) بوده است. آیت‌الله زند کرمانی در سفر دیگری به عتبات عالیات داشت مدتی از محضر شیخ حسین آل کاشف الغطا به بهره‌گیری علمی و اخلاقی پرداخت و از ایشان تأییدی مبنی بر حصول به مراتب والای اجتهاد دریافت کرد.

آیت‌الله زند در طب هم تبحر داشت و در دانش فیزیک و شیمی در سطح بالایی بود. ایشان در کنگره اتم‌شناسی از طرف مرحوم دکتر محمود حسابی دعوت شدند و سخنرانی کردند.

برخی از آثار و تألیفات ایشان عبارت‌اند از:

۱. الفیوضات اللامعه فی حال الکتب الاربعة

۲. رفع النزاع عن البین فی الصلح المقصود منه الفرار عن الدین

۳. اماره الولاية که به نام نشانه‌های ولایت چاپ شده است

۴. تاریخ مختصر نفت که توسط جناب آقای دکتر موسی نجفی به ضمیمه کتاب تعامل دین و سیاست تجدید چاپ شده است

۵. رساله ای در احکام آبها.

سرانجام مرحوم زند کرمانی در جمادی الثانی ۱۳۸۹ ق برابر با ۱۹ شهریور سال ۱۳۴۸ ش در اثر بیماری در کشور آلمان فوت کردند و پیکر ایشان را در تخت فولاد اصفهان به خاک سپردند.

معرفی محقق

جناب آقای حسین حلییان متولد ۱۳۶۰ اصفهان، در سال ۱۳۷۴ وارد حوزه علمیه اصفهان شد و از استادان بزرگوار آن حوزه از جمله: آیت‌الله حاج سیدحسن فقیه امامی بهره مند شد. ایشان در سال ۱۳۷۹ پس از اتمام پایه ششم حوزه به مشهد مقدس هجرت کرد و به مدت ده سال در کنار مضجع شریف حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) به کسب علوم و معارف اسلامی پرداخت. دروس سطوح عالی را در مشهد مقدس با بهره‌بردن از استادان بزرگ آن حوزه به پایان رساند و بیش از هشت سال در درس خارج فقه و اصول آن حوزه و به ویژه استاد معظم آیت‌الله حاج شیخ مهدی مروارید شرکت کرد. در سال آخر (۱۳۸۹) با کسب رتبه ممتاز در درس خارج فقه و اصول از تحصیل در آن حوزه مقدس فراغت یافت و به حوزه علمیه قم عزیمت کرد. در حوزه علمیه قم به محضر استادان محترمی مانند حضرات آیات: وحید خراسانی، شبیری زنجانی، هاشمی شاهرودی و جوادی آملی برای کسب فیض و تحصیل علوم اسلامی شرفیاب شد.

حسین حلییان در سال ۱۳۸۴ در مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی پذیرفته شد و در سال ۱۳۸۸ با دفاع از پایان‌نامه با عنوان «تعدیل مهر از منظر فقه و حقوق» و کسب درجه عالی این مقطع را به پایان رساند.

یافته است. فصل اول: مواردی که می‌توان بر آنها برای صحت معامله استدلال کرد. فصل دوم: مواردی که می‌توان بر آنها برای فساد معامله استدلال کرد و خاتمه کتاب که به بررسی برخی از روایات متفرقه این باب پرداخته است. در کتابنامه این اثر نام ۲۸ منبع معتبر که در تصحیح و تحقیق کتاب از آنها استفاده شده، آورده شده است.

از جمله نکات قابل ذکر این تحقیق، وجود برخی غلط‌های فنی و تائیدی آن است. از جمله جافتادن کلمه «الحجر» در صفحه ۱۹، سطر چهارم که عبارت صحیح چنین است: «والحاصل أن أقصى ما يستفاد من تلك الأدلة كون الحجر من قبل الحاكم مانعاً للسلطنة...».

معرفی مؤلف

بی شک معرفی و شناخت چهره‌های درخشان آسمان علم و معرفت، یادبودی است از گذشتگان و عبرتی است برای نسل امروز و آینده، به‌گونه‌ای که با مرور بر صفحه‌صفحه و سطر سطر برگ‌های تاریخ زندگی علما و فضلا و تعمق در آن، می‌توان از آن پند گرفت و از لغزش‌های زندگی خودداری کرد و به سوی علم و دانش و معرفت رهنمون شد.

در این جستار سعی شده با معرفی آیت‌الله زند کرمانی و کتاب رفع النزاع، شخصیت علمی ایشان بیشتر به جامعه علمی معرفی شود. شیخ محمدباقر زندکرمانی، عالم فاضل جلیل، فقیه واعظ فرزند مرحوم رضا زند، در سال ۱۳۱۳ ق در کرمان به دنیا آمد. نسب او به خاندان زندیه (صادق خان برادر کریم خان زند) می‌رسد. معظم له اولین گام‌های تحصیلی را در مکتب‌خانه‌های قدیمی کرمان برداشت و پس از چندی به محضر درس استاد بهمنیار روی آورد. تحصیل در نزد استاد بهمنیار موقعیت بسیار مساعدی برای شکوفایی استعداد هایش را به همراه داشت. شیخ محمدباقر زند کرمانی شش کلاس ابتدایی را در مدرسه سعادت گذراند و سپس به مدرسه شهاب وارد شد.

پس از گذراندن این دروس، در مدرسه انگلیسی‌ها ثبت نام کرد تا از این طریق افزون بر فراگیری زبان انگلیسی، علوم و فنون جدیدی که در آنجا تدریس می‌شد را نیز فرا گیرد.

آیت‌الله زند کرمانی پس از آن برای تکمیل علوم حوزوی به اصفهان مهاجرت کرد و در اصفهان از محضر بزرگانی چون حضرات آیات شیخ محمدحسین فشارکی، سیدعلی نجف‌آبادی و میرمحمدصادق مدرس خاتون‌آبادی و ابوالهدی کلباسی استفاده کرد. ارادت وی به مرحوم آیت‌الله فشارکی تا حدی بود که جزء خواص ایشان قرار گرفت. ایشان سفری نیز به عتبات عالیات داشت؛ اما ضعف بنیه و گرمای آن منطقه باعث شد تا به دستور آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی به قم مهاجرت نماید. با عزیمت به شهر مقدس قم، به محضر درس شیخ عبدالکریم حائری شتافت و حدود هفت سال از محضر درس ایشان استفاده نمود. همچنین در این مدت مرحوم زند کرمانی همدرس

ریاض الادویه

معرفی اجمالی

◀ یوسفی هروی؛ یوسف بن محمد بن یوسفی هروی؛ چ ۱، تهران: سفیر اردیبهشت، ۱۳۹۱، ۲۵۰ ص.

افسانه حصیری

درآمد:

یوسف بن محمد بن یوسفی هروی از اهل خواف بود. وی قسمت عمده‌ای از دوران حیاتش را در هرات گذراند و گفته‌اند که در اواخر زندگانی خود به هند رفت و در دربار ظهیرالدین بابر (بابور) ۹۳۷-۹۱۲ ق) و همایون (۹۶۳-۹۳۷ ق) به سر می‌برد و به نام آن دو چند کتاب تألیف کرده و مدتی در همان دیار بود.

اهمیت یوسفی در آن است که برای آسان کردن دانش پزشکی چند منظومه در این فن سروده است. وی افزون بر اشعار طبی در مضامین دیگری نیز شعر می‌گفت و «یوسفی» تخلص می‌کرد. وی بیشتر مطالب پرکاربرد طب را به شعر درآورده است. از این رو آثار او بسیار معروف و از قدیم الایام مردم آن را حفظ می‌کردند. وفات یوسفی را برخی ۹۵۰ ق یاد کرده‌اند. از یوسفی بیش از پانزده عنوان کتاب و رساله به یادگار مانده که یکی از آثار ارزنده و معروفش **ریاض الادویه** است.

درباره ریاض الادویه:

کتاب حاضر که برای اولین بار در ایران منتشر شده است، یکی از آثار مهم و ارزنده طبی دوره صفویه است که در شبه قاره به زبان فارسی نوشته شده و با وجود آثار طبی دیگر یوسفی که به شعر یا تلفیقی از شعر و نثر است، صرفاً به نثر می‌باشد. برای پرداختن به جنبه‌های مختلف این کتاب، آن را از جهاتی اجمالاً بررسی خواهیم کرد.

ریاض الادویه مهمترین اثر یوسفی در مفردات ادویه محسوب می‌شود. این کتاب در بیان مراتب کیفیات ادویه در یک مقدمه و دو باب و خاتمه‌ای ترتیب یافته است. مقدمه در بیان تحمید و تقدیم کتاب به همایون شاه و منظومه‌ای در مدح وی و مباحث کلی در خواص و مزجه و نظایر آن است. باب اول در ادویه مفرده به ترتیب حروف تهجی و باب دوم در ادویه مرکبه به ترتیب حروف تهجی و خاتمه مختصری در «امتحان جودت و رذالت تریاق و جزآن». سال تألیف این کتاب سنه ۹۴۶ ق است.

تعداد ادویه مفرده در این کتاب، ۷۸۷ مفرده است که در باب اول بدان پرداخته شده است. تعداد ادویه مرکبه که در باب دوم بدان پرداخته شده، ۲۵۷ مرکبه اعم از معجونات و نطولات و مطبوخات و غیره است. البته در ترتیب اسامی داروها در هر بخش صرفاً به حرف اول آن توجه

شده و همچون فرهنگ‌های واژگانی به ترتیب حروف دوم و سوم و غیره کلمات توجه نشده است و این امر باعث چینش نامرتب آن شده است.

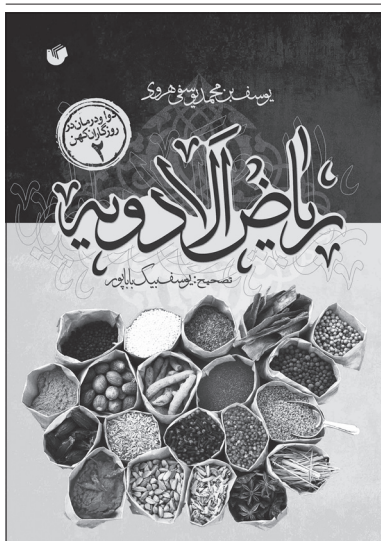
یکی از امتیازات مهم این کتاب، بیش از هر چیز، ضبط واژگان غیرفارسی (متداول

عامه) در اسامی داروهاست که از بسیاری جهات مهم و قابل توجه است. اغلب واژگان معادل داروهای ذکر شده در این کتاب، به ترتیب بسامدی: هندی، شیرازی، عربی، ترکی، یونانی و گاه به ندرت سریانی و عبری و نبطی است. نویسنده با صرافت تمام، گاه معادل‌های گوناگون یک واژه را یاد می‌کند و گاه دیده می‌شود که برای یک واژه دو و گاه سه معادل هندی می‌آورد. این امر به دلیل اقامت یوسفی در هند و آشنایی او با زبان هندی بسیار مهم است. گاه واژگان هندی‌ای را ضبط می‌کند که در منابع دیگر دیده نمی‌شود و این امر اهمیت جنبه زبان‌شناسانه اثر را چند برابر می‌کند.

نام‌های مترادف مواد دارویی نه تنها اهمیت علمی محض، بلکه اهمیت زیاد عملی نیز دارند؛ زیرا در نوشته‌های پزشکی و دیگر علوم در این دوره، نام داروها به دیگر زبان‌ها، آن‌چنان فراوان بود که اهمیت واقعی آنها بر پزشک و داروشناس آشکار نبود. این امر آن‌گاه پیچیده‌تر می‌شد که یک دارو در جاهای گوناگون به نام‌های گوناگون ضبط می‌شد و برعکس، یک نام را به چیزهای گوناگون داده بودند که اغلب به سوء تفاهم‌های جدی می‌انجامید.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که یکی از مسائل اساسی که یوسفی در تدوین و تألیف ریاض الادویه در نظر داشته، آشکار ساختن و روشن کردن نام‌های مترادف مواد دارویی موجود بوده است. اگرچه به نام‌های محلی نیز توجه فراوانی نموده است. او همه خواص مزاجی داروها را به دقت تمام بیان نموده و مضرات، مصلحات و بدلیات هر یک را با صرافت خاص خود، به ترتیب آورده است.

یوسفی در بسیاری از عنوان‌ها و مدخل‌های مفرده از گیاهان یا



ادویه‌ای سخن می‌گوید که در سرزمین‌های گوناگون وجود دارند و بیشتر آنها را یا در کتب پیشینیان دیده یا خود، البته به ندرت، مشاهده کرده است. این خود حاکی از آن است که از سال‌های جوانی در هرات، علاقه او به داروهای گیاهی شکل گرفته و افزون بر آثار طب منظومش که بیشتر جنبه آموزشی برای نوآموزان داشته است، در زمان پختگی حیات علمی‌اش اثری به نثر خلق کرده که یکی از مهم‌ترین آثار پزشکی دوره صفویه محسوب می‌شود.

یوسفی در ضمن این کتاب به برخی اطباء و کتاب‌های طبّی اشاره کرده و از آنها نقل قول نموده است. او از کتاب‌هایی چون المنهاج ابن جزله و قانون ابن سینا نقل قول کرده است. درست است که از منابعی نیز که مورد استفاده وی بوده، یاد نکرده است، اما کاملاً تأثیر این آثار بر این کتاب مشهود است. یکی از این آثار اختیارات بدیعی حاجی زین العطار است که تمام اصطلاحات پزشکی شیرازی از آن نقل قول شده است. البته از آثار مشابهی چون قرابادین شاپور بن سهل و مفردات ادویه‌ای که در ذخیره خوارزمشاهی جرجانی و صیدنه ابوریحان و کتب نظیر آن غافل نبوده و تقریباً اکثر منابع مهم ادویه مفرده و مرکبه را دیده است.

چاپ حاضر

چاپ حاضر که برای اولین بار به صورت تصحیحی منتخبات بر اساس سه نسخه خطی صورت گرفته، توسط یوسف بیگ بایور انجام پذیرفته است. مصحح پس از مقدمه‌ای مفصل درباره روزگار و عصر مؤلف، به بیان روابط پزشکی ایران و هند پرداخته و به ویژه نقش طبای مهاجر به هند را نمایان ساخته که یکی از ایشان همین یوسفی بود. سپس به نقش زبان شعر در ارائه آموزه‌های طبّی پرداخته شده و آثار هم‌تراز در این دوره معرفی گردیده است.

در آخر مقدمه، طبق معمول به معرفی مؤلف و آثارش پرداخته شده و بر اساس آثار موجود درباره یوسفی اطلاعاتی به دست داده شده است. در نهایت معرفی ریاض الادویه و اهمیت آن بحث شده است. سپس معرفی نسخ مورد استفاده در تصحیح و نمونه تصاویر هر یک آورده شده است. مقدمه در ۵۱ صفحه ارائه شد و از صفحه ۵۲ متن کتاب شروع می‌شود.

امتیاز اصلی تصحیح حاضر مشکل نویسی و حرکت‌گذاری کل مفردات دارویی با مراجعه به منابع مختلف تاریخ پزشکی است که به خواننده در درست خوانی اسامی داروها بسیار کمک می‌کند. در پانوشت‌ها اکثر معادل‌های هندی و ترکی و بیشتر داروها آورده شده و منابع مورد رجوع نیز ذکر شده است. این کار کتاب را به علمی بودن بیشتر سوق داده است. البته جا داشت که فهرس فنی کار استخراج و در آخر کتاب گنجانده می‌شد.